

گرایش به ارتباط با جنس مخالف: مطالعه‌ای درباب نوجوانان پسر مشهد

محسن نوغانی دخت بهمنی،* فردین محمدی**

چکیده

مسئله اساسی این مطالعه این است که نوجوانان پسر شهر مشهد برقراری رابطه با جنس مخالف را چگونه معنا و بازنمایی می‌کنند؟ بدین منظور، از رویکرد برساختی-تفسیری و از روش نظریه زمینه‌ای و تکنیک مصاحبه عمیق بهره گرفته شد. برای انتخاب نمونه روش نمونه‌گیری هدفمند و برای تعیین حجم نمونه نیز معیار اشباع نظری برگزیده شد. باکمک روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند با ۲۰ نفر از مشارکت‌کنندگان مصاحبه شد و نهایتاً داده‌های گردآوری شده در قالب ۱۳ مقوله محوری و یک مقوله هسته، کدگذاری و تحلیل شدند. نتایج پژوهش مبین آن است که نوجوانان مورد مطالعه، به دلیل مشکلات عاطفی، شدت یافتن امیال جنسی، و عضویت در گروه دوستان به رابطه با جنس مخالف روی آورده‌اند و رابطه با جنس مخالف برای افراد تحت مطالعه در این پژوهش در حکم پروژه‌ای است که از طریق آن بخشی از هویت اجتماعی و نیاز جنسی خود را برطرف می‌کنند. این امر باعث می‌شود در گروه دوستانشان پذیرش اجتماعی لازم را به دست بیاورند و از قدرت و نفوذ اجتماعی بیشتری در بین هم‌سن و سال‌ها برخوردار شوند. براساس مطالعه حاضر، تجربه رابطه با جنس مخالف، پیامدهای خوشایند و ناخوشایندی مثل وابستگی، لذت عاطفی و جنسی، درگیری‌های آزاردهنده فضای ذهنی، میل به تنوع‌طلبی و مشکلات تحصیلی را در پی داشته است.

کلیدواژه‌ها: نوجوانان، رابطه با جنس مخالف، نظریه زمینه‌ای، شهر مشهد.

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد Noghani@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد Fsheta.fardin@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۸

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۶۳-۱۸۴

مقدمه

امروزه در بیشتر کشورهای جهان (حتی کشورهای اسلامی) رابطه با جنس مخالف خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی گسترش یافته و نگرانی خانواده‌ها و مسئولان دولتی را در پی آورده است. پیامدهای این شکل از رابطه اجتماعی جوامع غربی را نیز فراگرفته است؛ زیرا اگرچه این شکل از رابطه اجتماعی با ارزش‌ها و هنجارهای جوامع غربی مغایرتی ندارد، پیامدهای آن از قبیل افزایش شدید فرزندان نامشروع، والدین مجرد، فرزندان بی‌سرپرست و تک‌سرپرست و خطر ابتلا به بیماری ایدز موجب نگرانی این جوامع شده است (وی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۹۷؛ قانی و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۲۸).

در ایران نیز، در سده اخیر، به دلیل تحولات فرهنگی و اجتماعی ناشی از فرایند نوسازی اجتماعی، رابطه با جنس مخالف خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی شکل گرفته است. چنین پدیده‌ای در دهه‌های گذشته (قبل از انقلاب) غالباً میان طبقات بالای شهر، آن هم در شهرهای بزرگ و به‌طور محدود، دیده می‌شد، اما با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تأکید بر ارزش‌های اسلامی، چنین روابطی نفی شد. در اوایل دهه ۷۰، همراه با دگرگونی‌های ساختی مانند گسترش شهرنشینی، صنعتی‌شدن، افزایش میزان سواد، مشارکت زنان در اجتماع، گسترش کمی و کیفی وسائل ارتباط جمعی، این پدیده به‌شکلی نو از بطن تعامل اجتماعی جوانان مجدداً پدید آمد (شاکریان و دیگران، ۲۰۱۴: ۳۴۲). این شکل از روابط اجتماعی در ایران برخلاف ارزش‌ها و هنجارهای دینی (دین اسلام) و فرهنگی است و حتی از نظر قانونی نیز منع شده است، اما برخی شواهد در سال‌های اخیر بر افزایش این‌گونه روابط در بین جوانان دلالت دارد. شواهد و نتایج پژوهش‌هایی، که در این زمینه انجام شده است، نشان می‌دهد که بیش از نیمی از دختران دانشجوی در تهران تجربه دوستی با جنس مخالف را پیش از ازدواج داشته‌اند و حدود یک‌چهارم نیز ارتباط نزدیک‌تر (تماس جنسی) را قبل از ازدواج تجربه کرده‌اند. در تهران بین ۲۰ درصد تا ۶۰ درصد افراد گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال، اغلب به‌طور پنهانی و بدون رضایت خانواده ارتباط عاطفی و ارتباط پیشرفته (رابطه فیزیکی و جنسی) برقرار می‌کنند (خلج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸).

این پدیده اجتماعی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰، به دلیل ناکارآمدی سیاست‌گذاری فرهنگی و شکاف ده‌ساله بین بلوغ جنسی و بلوغ شغلی (و بیکاری) جوانان، شدت یافت و به مرحله جدیدی وارد شد: مرحله فراروابط اجتماعی. در این مرحله، رابطه اجتماعی با جنس مخالف قبل از ازدواج به‌لحاظ کمی و کیفی تغییر کرد. منظور از تغییرات کیفی آن است که این رابطه به شکل‌های مختلفی بازتولید شد که می‌توان به روابط هم‌خانگی،

^۱ Wh

گرایش به ارتباط با جنس مخالف

ضدعاشقانه (الگوهای مُدرن) و روابط مبتنی بر عشق سیال (الگوی پست‌مدرن) اشاره کرد (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۸). منظور از تغییرات کمی نیز آن است که جوانان برخلاف گذشته، که فقط با یک نفر رابطه داشتند، اکنون با چندین نفر (هم به طور هم‌زمان و هم در طول زمان) رابطه عاطفی و پیشرفته دارند، به طوری که دختر یا پسر تا قبل از ازدواج با چندین نفر رابطه عاشقانه و گاهی رابطه جنسی برقرار می‌کنند (خلج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲). این پدیده اجتماعی هم برای فرد و هم برای جامعه پیامدهای متعددی دارد؛ یکی از مهم‌ترین این پیامدها برای افراد مجرد افزایش میانگین سن ازدواج است، به طوری که میانگین سن ازدواج دختران و پسران در سال ۱۳۷۵، به ترتیب ۲۲/۴ سال و ۲۵/۶ سال بوده است که در سال ۱۳۹۰ به ۲۳/۴ سال و ۲۶/۷ سال و در کلان‌شهرهایی مانند تهران به ترتیب به ۲۴ سال و ۲۸ سال رسیده است. یکی دیگر از پیامدهای این شکل از روابط اجتماعی برای افراد مجرد کاهش تمایل به ازدواج است. شواهد مبین آن است که مجرد قطعی در مردان و زنان به ترتیب از ۱/۱ درصد و ۲ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۱/۶ درصد و ۳/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده و در سال ۱۳۹۰، در مناطق شهری کل کشور این آمار به ترتیب در زنان و مردان به ۸ درصد و ۵ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

نکته حائز اهمیت آن است که پویایی این پدیده همچنان ادامه دارد، به طوری که دامنه نفوذ این پدیده اجتماعی به رده‌های سنی پایین‌تر از جمله نوجوانان تسری یافته است. درباب این موضوع دیدگاه‌های مختلفی در جامعه وجود دارد: گروهی از اعضای جامعه بر این باورند که گرایش و برقراری رابطه با جنس مخالف در بین نوجوانان طبیعی و ذاتی است و یکی از ویژگی‌های دوره نوجوانی و جوانی به‌شمار می‌آید و نباید آن را یک مسئله‌ای اجتماعی تلقی کرد، اما گروهی دیگر بر این باورند که گرایش صرف به جنس مخالف طبیعی است، نه برقراری رابطه جنسی نوجوانان با جنس مخالف. بنابراین، این گروه بر این باورند که روابط جنسی از این دست امری غیرعادی است و مسئله اجتماعی به‌شمار می‌آید؛ از این رو مسئولان بایستی برای بررسی علل رابطه با جنس مخالف به پژوهش و تفحص بپردازند. محقق نیز با گروه دوم هم‌رأی و معتقد است که رابطه امروزی نوجوانان با جنس مخالف غیرعادی است و مسئله‌ای اجتماعی محسوب می‌شود، اما به جای یافتن علت یا علت‌های این پدیده، باید با نگاه از درون رویکرد (امیک) به مسئله نگاه کرد و با بازسازی معنایی این پدیده، راه‌های مقابله با آن را ارائه داد. با توجه به آنکه گروهی از نوجوانان پسر شهر مشهد چنین روابطی را تجربه کرده‌اند، و از آنجاکه چنین روابطی به پیامدهایی مانند کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش تمایل به ازدواج، افزایش میانگین سن ازدواج، افزایش مجرد، گسترش ازدواج سفید و روابط جنسی (آزادارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰: ۴۳۵-۴۳۶) منجر می‌شود، ضروری است چنین پدیده‌ای بررسی شود. بنابراین،

موضوع بررسی این مطالعه آن است که نوجوانان پسر (شهر مشهد) چه درک و فهمی از ارتباط با جنس مخالف خود دارند و پیامدهای آن را چگونه تجربه می‌کنند؟ به عبارت دیگر، نوجوانان رابطه با جنس مخالف را چگونه درک و معنا و بازنمایی می‌کنند؟ بازنمایی معنایی رابطه اجتماعی نوجوانان با جنس مخالف موجب می‌شود که اوضاع و احوال، تعاملات، فرایندها و پیامدهای این رابطه در نظام معنایی نوجوانان به تصویر کشیده شود و شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تری از این پدیده حاصل شود.

اهداف پژوهش

از آنجاکه از دیدگاه محققان، رابطه با جنس مخالف خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی و آسیبی اجتماعی در جامعه ایران (به‌ویژه در شهر مذهبی مشهد) تلقی می‌شود، هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که پدیده مزبور را از منظر رویکرد درونی (امیک) مورد بررسی قرار دهد تا شناخت عمیق و دقیقی از این پدیده به دست آید و با توجه به این شناخت راه‌حل‌های مناسبی برای کاهش پیامدهای این پدیده اجتماعی ارائه شود. این مطالعه با اتخاذ روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای در صدد دستیابی به نظریه و الگوی نظری داده‌محور است. بنابراین، هدف آن نه نظریه‌آزمایی، بلکه نظریه‌سازی در سطح خرد است.

چهارچوب مفهومی

در دانش جامعه‌شناسی، پدیده رابطه با جنس مخالف خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی را می‌توان از دیدگاه‌های نظری گوناگون و در حوزه‌های مختلف بررسی کرد. محقق این نظریات را به چند دسته تقسیم کرده است که در ادامه به‌طور مختصر به آنها اشاره می‌شود:

نظریه مبادله

نظریه مبادله رابطه خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی با جنس مخالف را نوعی «مبادله» در نظر می‌گیرد. این نظریه معتقد است محیطی که رفتار در آن رخ می‌دهد (خواه اجتماعی و خواه فیزیکی) تحت تأثیر رفتار قرار می‌گیرد طبق این نظریه رفتار کنشگر در یک محیط (خواه اجتماعی و خواه فیزیکی) رخ می‌دهد و محیط تحت تأثیر رفتار کنشگر قرار می‌گیرد و بازخوردهای خاص خود را نسبت به آن رفتار از خود نشان می‌دهد. بازخورد محیطی این واکنش (مثبت، منفی و خنثی) بر رفتار بعدی کنشگر تأثیر می‌گذارد. اگر این واکنش برای کنشگر پاداش داشته باشد، احتمالاً همان رفتار در آینده در موقعیت‌های مشابه تکرار می‌شود. اگر این واکنش برای کنشگر آسیب، تنبیه یا پیامد منفی داشته باشد، احتمال رخداد آن در آینده کمتر است (ریترز، ۱۳۹۰: ۲۳۶). بنابراین، در نظریه مبادله، رفتار انسان بر مبنای الگوهای

گرایش به ارتباط با جنس مخالف

اقتصاد و سودوزیان در بازار است؛ یعنی انسان‌ها خواهان بیشترین پاداش و کمترین هزینه هستند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷، اسکیدمور، ۱۳۸۵: ۷۹-۸۳).

نظریه جهانی شدن

با توجه به این دیدگاه، جوانان از الگوهایی از روابط دختر و پسر پیروی می‌کنند که محصول مؤلفه‌های جهانی شدن - از جمله سبک‌های جدید زندگی - است که از طریق تماس و ارتباط (به‌ویژه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نو) با جوامع دیگر (که به لحاظ فرهنگی متفاوت و گاه متعارض با فرهنگ آنها است) کسب کرده‌اند. این فناوری‌ها تغییرات فرهنگی و به تبع آن تغییر در هویت و نگرش افراد به جهان را سبب می‌شوند. کسانی که از این فناوری‌ها استفاده می‌کنند (به‌ویژه جوانان) همواره در معرض ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که غیربومی و ساخته فرهنگ‌های جوامع دیگر است. بنابراین، جهانی شدن یکی از عواملی است که بر روابط شخصی و اجتماعی افراد تأثیرگذار است. با توجه به این دیدگاه، جهانی شدن و مؤلفه‌های آن، مانند سبک زندگی، در دهه اخیر، سبب گرایش جوانان ایرانی به برقراری رابطه با جنس مخالف خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی شده است (خواجانه‌نوری و دل‌آور، ۱۳۹۱: ۶۲).

دیدگاه انحرافات اجتماعی

این دیدگاه رابطه با جنس مخالف را خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی «انحراف اجتماعی» در نظر می‌گیرد. در این زمینه، می‌توان به نظریات یادگیری اجتماعی، آنومی اجتماعی و نظریه کنترل اشاره کرد. وجه اشتراک این نظریه‌ها آن است که در همه آنها این شکل از رابطه نوعی انحراف اجتماعی تلقی می‌شود و وجه اختلافشان این است که هر کدام تبیین متفاوتی از پدایش و پیامدهای این شکل از رابطه ارائه می‌دهند؛ مثلاً، در دیدگاه یادگیری اجتماعی، این شکل از رابطه همانند هر چیز دیگری آموخته می‌شود و افراد از طریق هم‌نشینی با کسانی که حامل این‌گونه هنجارها هستند، به این روابط روی می‌آورند و به همان اندازه در پی دستیابی به نیازها و ارزش‌های مشابهی هستند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۰۰-۳۲۰).

نظریه تحول فرهنگی

این دیدگاه بر این باور است که رابطه با جنس مخالف، خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی، یکی از پیامدهای تحول فرهنگی است. در این زمینه می‌توان به نظریه تحول فرهنگی و ارزشی اینگلهارت اشاره کرد. این نظریه به دنبال فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع است. اینگلهارت درباره تغییر فرهنگ‌ها بر این باور است که هر فرهنگ رهیافت مردم را در تطابق با محیطشان نشان می‌دهد و این رهیافت در بلندمدت به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژی پاسخ می‌دهد. به‌طور کلی، رهیافت

نظریه‌پردازی او دو سطح نظام (ساختاری جامعه) و سطح خرد (افراد) را مورد نظر قرار می‌دهد؛ بدین‌شکل که تغییرات محیطی و کلان در نظام جامعه، به دگرگونی‌هایی در سطح فردی می‌انجامد و این دگرگونی‌ها در سطح خرد پیامدهایی برای نظام اجتماعی می‌باشد (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۲۲).

پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌های تجربی‌ای را، که رابطه با جنس مخالف را در ایران بررسی کرده‌اند، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد.

نگرش به جنس مخالف: دسته اول، شامل پژوهش‌هایی است که نگرش به جنس مخالف را بررسی کرده‌اند. نتایج این دسته از پژوهش‌ها عبارت است از اینکه نگرش جوانان به داشتن رابطه با جنس مخالف در سطح میانه است. نوع نگرش به رابطه با جنس مخالف تابعی از اندازه گروه جنسیتی در کلاس درس (کلاس دانشگاه) است. در این زمینه، می‌توان به پژوهش موحد و دیگران (۱۳۸۸) اشاره کرد. در این مطالعه، که به روش پیمایش و با تکنیک پرسش‌نامه انجام شده است، ۳۹۸ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز تحت بررسی قرار گرفتند. چهارچوب نظری این مطالعه، نظریه تغییر نگرشی و ارزشی رونالد اینگلهارت بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که اکثر دانشجویان به داشتن رابطه با جنس مخالف نگرشی میانه دارند.

عوامل مؤثر بر رابطه با جنس مخالف: دسته دوم، شامل پژوهش‌هایی است که عوامل مؤثر بر برقراری رابطه با جنس مخالف را بررسی کرده‌اند. نتایج این دسته از پژوهش‌ها عبارت است از اینکه کنترل سخت‌گیرانه والدین، جو نامناسب خانوادگی، نگرش آزادانه والدین و احترام کم به نظر والدین، با برقراری رابطه با جنس مخالف رابطه مستقیم دارد و با سطح تحصیلات پدر سطح دین‌داری خانواده رابطه غیرمستقیم دارد. در این زمینه، می‌توان به پژوهش خلیج‌آبادی و مهریار (۱۳۸۹) اشاره کرد.

روابط جنسی با جنس مخالف: دسته سوم پژوهش‌هایی را شامل می‌شود که روابط جنسی با جنس مخالف را بررسی کرده‌اند. نتایج این دسته از پژوهش‌ها عبارت است از اینکه شبکه روابط اجتماعی، موقعیت اقتصادی، فشار فرهنگی و افزایش سن ازدواج از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در برقراری رابطه جنسی با جنس مخالف در بین جوانان ایرانی هستند. در این باره، به پژوهش آزادارمکی و شریفی ساعی (۱۳۹۰) اشاره کرد. آنها در پژوهش خود با استفاده از رویکرد کیفی با ۳۴ نفر از مردانی که این‌گونه روابط را تجربه کرده بودند مصاحبه کردند. نتایج پژوهش نشان داد که مواردی مانند احساس نیاز، حس کنجکاوی و کسب تجربه، فشار

گرایش به ارتباط با جنس مخالف

فرهنگی، افزایش سن ازدواج، افزایش تکنولوژی‌های ارتباطی جدید و پیدایش ارزش‌های فرهنگی در جامعه از جمله مهم‌ترین عوامل پیدایش و گسترش این روابط هستند.

سنخ‌شناسی روابط جنسی: دسته چهارم شامل پژوهش‌هایی است که رابطه با جنس مخالف را در ایران دسته‌بندی کرده‌اند. نتایج این دسته از پژوهش‌ها عبارت است از اینکه الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران را می‌توان به شش دسته تفکیک کرد: روابط آزاد (الگوهای روسپی‌گری)، روابط صیغه‌ای، روابط دوست دختر- دوست پسر، روابط هم‌خانگی (پیدایش مجردان متأهل)، روابط ضدعاشقانه (الگوهای فریب) و روابط مبتنی بر عشق سیال. در این زمینه می‌توان به پژوهش آزادارمکی و همکارانش (۱۳۹۰) اشاره کرد.

بررسی پیشینه تجربی پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه سه ویژگی دارند که عبارت‌اند از:

- بررسی عوامل مؤثر بر رابطه دختر و پسر قبل از ازدواج؛
- در نظر گرفتن دانشجویان و جوانان به منزله جامعه آماری؛
- استفاده از روش پیمایشی به شکل غالب.

این نتایج مبین آن است که پژوهش‌های انجام‌شده در ایران در چهارچوب پارادایم اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) به این مسئله نگاه می‌کنند. همچنین شروع این پدیده را دوره جوانی و زمان تحصیل در دانشگاه می‌دانند، از این رو بر دوره دانشجویی تأکید می‌کنند؛ در حالی که در پژوهش حاضر، محقق در چهارچوب پارادایم برساختی-تفسیری به موضوع نگاه می‌کند و به جای دوره جوانی بر دوره نوجوانی تأکید می‌کند. در نهایت، به جای استفاده از روش پیمایشی از روش نظریه زمینه‌ای به بررسی مسئله می‌پردازد.

روش‌شناسی

انتخاب روش پژوهش در جهت تولید و تحلیل داده‌ها به مسئله پژوهش و اهداف آن بستگی دارد. در این پژوهش، جهت دستیابی به پاسخ مسئله و اهداف پژوهش از نظریه زمینه‌ای استفاده شد. نظریه زمینه‌ای روشی استقرایی است که نظریه از اطلاعات یا زمینه‌ای ساخته می‌شود که اطلاعات در آن وجود دارد. به علاوه، مفهوم‌سازی و عملیاتی‌کردن داده‌ها هم‌زمان با گردآوری داده و تحلیل اولیه داده‌ها اتفاق می‌افتد (نیومن، ۲۰۰۶: ۸۹). بنابراین، نظریه زمینه‌ای از یک مجموعه منظم از گردآوری داده و فرایندهای تحلیل به منظور توسعه نظریه استقرایی مشتق از داده استفاده می‌کند (اواس، ۲۰۰۱: ۶۵۵). در نظریه زمینه‌ای هنگام گردآوری داده می‌توان از روش‌های مختلفی مانند مصاحبه، مشاهده و اسناد نوشتاری استفاده کرد (رینتالا و پارلینین، ۲۰۱۴: ۱۴)، اما ارائه نظریه زمینه‌ای مناسب مستلزم گردآوری داده‌های متنی- مصاحبه‌ای عمیق است. به همین منظور، در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده‌ها از

تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. جهت انتخاب نمونه‌ها نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند و برای گردآوری داده‌های مناسب از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شد. نمونه‌گیری نظری فرایند گردآوری داده‌ها برای تولید نظریه است که به وسیله آن تحلیل‌گر به‌طور هم‌زمان داده‌های خود را گردآوری، گدگذاری و تحلیل می‌کند و درباره داده‌هایی که بعداً گردآوری می‌شوند و نیز درباره محل یافتن آنها تصمیم می‌گیرد تا نظریه خود را آن‌طور که خودش ظهور می‌یابد توسعه دهد (گلاسر و اشتروس، ۱۹۶۷: ۴۵). جهت تعیین حجم نمونه نیز از معیار اشباع نظری استفاده شد. اشباع نظری بدان معنا است که در فرآیند گردآوری داده‌ها هیچ داده جدیدی پیدا نشده است که محقق به وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را توسعه دهد. به تدریج، محقق مطمئن می‌شود که مقوله‌های او اشباع شده‌اند و از جست‌وجو برای دستیابی به داده جدید و تنوع داده‌ها دست می‌کشد (گلاسر و اشتروس: ۱۹۶۷: ۶۱). برای تحلیل داده‌ها نیز از سه مرحله گدگذاری باز، گدگذاری محوری و گدگذاری گزینشی استفاده شد (اشتروس و کریبن، ۱۳۹۱: ۶۴). میدان مطالعه پژوهش حاضر شهر مشهد است. در پژوهش حاضر، پس از انجام دادن ۱۵ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد، اما جهت اطمینان بیشتر مصاحبه‌ها تا ۲۰ مورد ادامه پیدا کرد. مشارکت‌کنندگان (دروازه‌بانان خبری) در این پژوهش نوجوانان ۱۶ تا ۱۸ ساله‌ای بودند که رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده بودند. گفتنی است که واحد تحلیل در نظریه زمینه‌ای - برخلاف روش‌های متعارف پژوهش- فرد نیست، بلکه واحد تحلیل در نظریه زمینه‌ای مفاهیمی هستند که در جریان نمونه‌گیری نظری مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند از افرادی که با آنها مصاحبه می‌شود به اشباع نظری رسیده‌اند. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از دو تکنیک متعارف و مرسوم استفاده به عمل آمد که عبارت‌اند از:

- ۱) کنترل یا اعتباریابی از دید اعضا: در این روش از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درباره صحت آنها نظر دهند.
- ۲) مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود.

مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان

مشارکت‌کنندگان ۲۰ نفر از نوجوانان دبیرستان‌های شهر مشهد بودند که دوستی با جنس مخالف را تجربه کرده بودند. از این تعداد، ۳ نفر در پایه سوم دبیرستان، یک نفر در پایه اول و ۱۴ نفر در پایه دوم دبیرستان مشغول به تحصیل بودند. به لحاظ سن نیز دامنه سنی این نوجوانان بین ۱۶ تا ۱۸ قرار داشت که بیشترین افراد ۱۷ سال داشتند. همچنین، نتایج آماری حاکی از آن است که به‌طور میانگین هر نوجوان با ۴ نفر از جنس مخالف رابطه دوستی برقرار کرده است و ۹۶ درصد از مشارکت‌کنندگان تماس جسمی و ۳۰ درصد نیز رابطه جنسی با

گرایش به ارتباط با جنس مخالف

جنس مخالف را تجربه کرده‌اند. به لحاظ سن شروع رابطه با جنس مخالف نیز باید گفت کمترین سن شروع رابطه با جنس مخالف ۱۳ سالگی و بیشترین ۱۷ سالگی و میانگین سن شروع رابطه با جنس مخالف در بین افراد مشارکت‌کننده ۱۵ سالگی است.

یافته‌ها

به‌طور کلی، در مرحله کُذبندی باز ۴۴ مفهوم استخراج شدند که در قالب ۱۳ مقوله اصلی قرار گرفتند. این مقولات عبارت‌اند از: منسجم نبودن خانواده، گروه مرجع، رسانه‌های جمعی، عاملیت جنس مخالف، تکنولوژی جدید ارتباطی، درگیری فضای ذهنی، مشکلات تحصیلی، وابستگی، تنوع‌طلبی، غیبت والدین از خانه، لذت عاطفی، لذت جنسی و بازاندیشی. در مرحله کُذبندی گزینشی، با توجه به مقولات به‌دست‌آمده، یک مقوله هسته استخراج شد که مقوله محوری و اساسی پژوهش را شامل می‌شود. جدول ۱ مبین مفاهیم اولیه، مقولات اصلی و مقوله هسته است که در خلال تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند.

جدول ۱. مفاهیم اولیه، مقولات و مقوله هسته

مقوله هسته	مقوله اصلی	مفاهیم اولیه
رابطه جنسی	منسجم نبودن خانواده	کمبود محبت و عاطفه از سوی خانواده، تنهایی، همدلی
	گروه مرجع	الگوپذیری از دوستان، تأثیرپذیری از دوستان، یاری دوستان، حسادت به دوستان، رقابت، پذیرش اجتماعی، شهرت
	رسانه‌های جمعی	فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای، سریال‌های عاشقانه تلویزیون ایران، فیلم‌های ویدیویی مستهجن
	عاملیت جنس مخالف	پوشش نامناسب دخترها، آرایش محرک، اشارات جنس مخالف، درخواست مستقیم جنس مخالف، تمایلات جنس مخالف
	تکنولوژی جدید ارتباطی	موبایل و تلفن، وایبر و واتس آپ، پیامک
	مشکلات تحصیلی	تأخیر، غیبت، افت تحصیلی، مردودی، حواس‌پرتی
	درگیری فضای ذهنی	دغدغه ذهنی درباره رابطه با جنس مخالف، دغدغه ذهنی درباره جنس مخالف در کلاس، خانه، عروسی، مهمانی
	وابستگی	عادت کردن به رابطه، رابطه کوتاه با جنس مخالف
	تنوع‌طلبی	تعدد رابطه، سیرشدن از رابطه، ضرورت ارتباط
	لذت عاطفی	احساس شادی، احساس آرامش
	لذت جنسی	احساس لذت، ارضای جنسی
	بازاندیشی	ارتباط متعادل (جنسی نه عاشقانه)، رابطه جنسی صرف، جایگزینی، سرگرمی، تعدد دوستی
	غیبت والدین	مهمانی‌های طولانی، شاغل بودن والدین (هم پدر، هم مادر)

مقوله‌های پژوهش

منسجم نبودن خانواده

منسجم نبودن خانواده یکی از مقوله‌های اصلی این پژوهش است. منظور از آن بیگانگی اعضای خانواده با یکدیگر است که به بروز مشکلات روحی- روانی در افراد می‌انجامد. این مشکلات به دلیل غفلت اعضای خانواده و به‌ویژه والدین به‌وجود می‌آید و ناشی از کمبود محبت، بی‌توجهی به فرد و فقدان صمیمیت در خانواده است. در این خانواده‌ها فضای سرد و سنگین تکنولوژی و پول جای فضای صمیمی خانواده سنتی را گرفته است و اعضای خانواده دچار از خودبیگانگی شده‌اند. این موجب می‌شود که افراد احساس تنهایی کنند. به‌طوری‌که فرد قادر به برقراری رابطه صمیمی و محبت‌آمیز با اعضای خانواده خود یا دوستان نخواهد بود. به‌همین دلیل، رفع نیازهای عاطفی و روحی و روانی افراد با مشکل مواجه می‌شود و افراد برای رفع این مشکلات به قلمروی خارج از قلمرو خانواده و هنجارهای جامعه پناه می‌برند.

توی خانه ما هر کسی سرش به کار خودش است. هیچکی با هیچکی کار ندارد. محبتی وجود ندارد، نمی‌دانم با کی دردودل کنم. اما دخترها این‌طوری نیستند، مهربان‌اند، می‌شود باهاشان دردودل کرد، تمام احساسات را می‌شود باهاش درمیان گذاشت، چون که غریبه است، به آشنا نمی‌شود گفت چون از آدم آتو می‌گیرند (آ. ۱۷ ساله).

گروه دوستان به‌مثابه گروه مرجع

گروه مرجع گروهی است که فرد نقش خود را در موقعیتی معین براساس آن ارزیابی می‌کند و ایفای نقش هر فرد در مقایسه با کسانی ارزیابی می‌شود که وظیفه‌ای مشابه او دارند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که گروه مرجع مشارکت‌کنندگان گروه دوستان است و افراد خود را با اعضای این گروه می‌سنجند و تحت تأثیر رفتار و الگوهای رفتاری اعضای آن قرار می‌گیرند؛ به‌طوری‌که رفتار آنها را تقلید می‌کنند، برای کسب منزلت و قدرت مطابق معیارهای آن گروه رفتار می‌کنند، همدیگر را یاری می‌دهند؛ و زمانی که الگوی رفتاری خاصی در گروه رایج شود، اعضا به تبعیت از آن اقدام می‌کنند. بیشتر مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که اولین و مهم‌ترین عاملی که آنها را به برقراری رابطه با جنس مخالف سوق داده گروه دوستان بوده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت که در جامعه امروزی ایران، تجربه دوستی با جنس مخالف در گروه دوستان به ارزش و برقراری رابطه با او به هنجار تبدیل شده است:

«دوستانم دوست دختر داشتند و در موردشان حرف می‌زدند و ما هم حسرت می‌خوردیم. به‌همین خاطر دوست دختر پیدا کردم که در جمع دوستان حرفی برای گفتن داشته باشم و چشم بعضی‌ها هم دربیاید، آخر چشم و هم‌چشمی است» (ز. ۱۷ ساله).

گرایش به ارتباط با جنس مخالف

گروه دوستان نه‌تنها در برقراری رابطه با جنس مخالف تأثیر بسزایی داشته است، بلکه مهم‌ترین عامل در برقراری رابطه هم‌زمان با چند نفر از جنس مخالف نیز بوده است؛ زیرا یکی از معیارهای برتری در این گروه، برقراری رابطه با چندین نفر از جنس مخالف به‌طور هم‌زمان است: «اینکه با چند نفر هم‌زمان رابطه داشته باشی، فقط به‌خاطر این است که بگویند فلانی با چند نفر هم‌زمان رابطه دارد، آخر این چیزها بین ما یک نوع افتخار است و موجب می‌شود که سایر بچه‌ها بیشتر تحویل بگیرند» (ا. ر. ۱۷ ساله).

مشکلات تحصیلی

منظور از مشکلات تحصیلی مشکلاتی است که به موضوع آموزش نوجوانان در محیط مدرسه مربوط می‌شود. نوجوانانی که رابطه با جنس مخالف را تجربه می‌کنند به‌تدریج چنین روابطی را به یادگیری مطالب درسی، که در واقع اولین و مهم‌ترین وظیفه نوجوانان به‌شمار می‌آید، مقدم می‌شناسند و مرتکب تأخیر و غیبت‌های متعدد می‌شوند. زمان حضور در جلسات کلاس هم اگرچه حضور فیزیکی دارند، ذهن آنها در دنیای دیگری است. به این ترتیب، یادگیری به پایین‌ترین سطح ممکن تنزل می‌یابد و نوجوانان در امتحانات پایان ترم نیز قادر به کسب نمره لازم برای قبولی در درس‌ها نخواهند بود. مهم‌ترین مشکلات تحصیلی در این زمینه عبارت‌اند از: تأخیر، غیبت، حواس‌پرتی و مردودی.

«کلاً به‌خاطر دخترها از درس‌ها عقب افتادم، پارسال چهار درس افتادم، تأخیر و غیبت زیاد داشتم، پارسال یک‌ماه کامل مدرسه نیامدم، وقتی معلم درس می‌دهد، مدام به آنها فکر می‌کنم» (د. م. ۱۶ ساله).

رسانه‌های گروهی

رسانه‌های گروهی شامل تنوع گسترده‌ای از رسانه‌ها مثل تلویزیون، ماهواره، فیلم، مجله، رادیو و لوح‌های فشرده هستند که بر نگرش و ایستارهای ما تأثیر می‌گذارند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۶۵۳). تأثیر رسانه‌ها به‌حدی گسترده است که امروزه از آن با عنوان «امپراتوری رسانه‌ای» نام می‌برند. ماهواره، به‌مثابه یکی از مهم‌ترین رسانه‌های گروهی، با پخش برنامه‌های غربی و نامتعارف با فرهنگ ما (با محتوای عاشقانه-هرزه‌نگارانه) جوانان و نوجوانان ایرانی را به برقراری رابطه با جنس مخالف تحریک می‌کند.

«فیلم‌های ماهواره‌ای خیلی زیاد مرا تحت تأثیر قرار داده، مثل سریال ماهواره‌ای فاطیما گل، عفت و همین سریال‌های Gem, next1 و غیره» (م. ۱۶ ساله).

«هم فیلم‌های ماهواره‌ای هم سریال‌های عاشقانه ایرانی تأثیر زیادی داشتند. وقتی این فیلم‌ها را می‌دیدم دوست داشتم که منم مثل آنها عاشق شوم و کسی را داشته باشم» (ر. ۱۷ ساله).

عاملیت جنس مخالف

تحلیل مصاحبه‌ها مبین آن است که اگرچه گروه دوستان، منسجم نبودن خانواده، و رسانه‌های گروهی در گرایش نوجوانان به جنس مخالف نقش برجسته‌ای دارند، جنس مخالف (دخترها) نیز در برقراری این رابطه بی‌تأثیر نیست. جنس مخالف (دخترها) خواسته یا ناخواسته نقش محرک را برای نوجوانان پسر در برقراری این ارتباط فراهم می‌کنند. پوشش نامناسب، آرایش غلیظ و محرک، ابراز تمایل، و گاه درخواست مستقیم دخترها از مهم‌ترین عواملی است که نوجوانان پسر را در مسیر برقراری رابطه قرار می‌دهد. نوجوانان پسر در این دوره سنی فرایند بلوغ جنسی را تجربه می‌کنند و نسبت به دیگر دوره‌های زندگی خود توان مقاومتی کمتری در کنترل میل جنسی دارند. عاملیت جنس مخالف موجب می‌شود که این میل تشدید شود و نوجوانان توان کنترل آن و مقابله با آن را از دست بدهند.

«البته بیشتر دخترها خودشان علاقه داشتند، می‌خندیدند، اشاره می‌کردند، چشمک می‌زدند، شماره می‌دادند، اینها سبب می‌شد که دنبالشان بریم» (د.م. ۱۶ ساله).

«بعضی وقتها این دخترها را که تو خیابون می‌بینم که لباس‌های چسبناک پوشیدند و اندام‌هاشان و لباس‌های زیرشان مشخص است خیلی تحریک می‌شوم و به دنبالشان می‌افتم» (م. ۱۶ ساله).

درگیری فضای ذهنی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان‌دهنده آن بود که همه مشارکت‌کنندگانی که رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند، درگیری و دغدغه ذهنی زیادی داشته‌اند و گفتمان جنسیتی یکی از مشغله‌های اصلی آنها محسوب شده است. این درگیری ذهنی همه‌جانبه است و همه محیط ذهن و فکر مشارکت‌کنندگان را به خود جلب می‌کند. مهم‌ترین محیط‌هایی که فضای ذهنی مشارکت‌کنندگان معطوف به جنس مخالف است عبارت‌اند از: کلاس درس، خانه، مهمانی و جشن‌ها و عروسی‌ها.

این درگیری فضای ذهنی برای مشارکت‌کنندگان مشکلات متعددی را به دنبال خواهد داشت.

«توی خانه و مهمانی‌ها خیلی بهش فکر می‌کنم، مثلاً می‌گویم کاشکی الان اینجا بود، آیا می‌توانم بهش زنگ بزنم، یا وقتی تو کلاسم مُدام به این فکرم که کی از مدرسه بزنم بیرون که بتوانم ببینمش» (م. ک. ۱۷ ساله).

«معلم وقتی توضیح می‌دهد فکرم پیش اوست. خیلی براش دغدغه ذهنی دارم که کجاست، دارد چه کار می‌کند، کی بهش اس بدم، کی بهش زنگ بزنم» (م. ر. ۱۷ ساله).

تکنولوژی جدید ارتباطی

منظور از تکنولوژی جدید ارتباطی ابزارهایی است که امروزه مردم برای برقراری ارتباط سریع از آنها استفاده می‌کنند که می‌توان از میان آنها به موبایل، تلفن و نرم‌افزارهای ارتباطی جدید مانند واتس‌آپ، تانگو و وایبر اشاره کرد. همه مشارکت‌کنندگان این پژوهش با وجود ممنوع بودن حمل موبایل در محیط مدرسه، تلفن همراه داشتند. طبق شواهد موجود، موبایل، تبلت و

گرایش به ارتباط با جنس مخالف

نرم‌افزارهای ارتباطی همچون واتس‌آپ و غیره برقراری ارتباط میان افراد را به میزان چشم‌گیری سهل و آسان کرده است:

«در طول روز خیلی باهاش حرف می‌زنم، شب‌ها هنگام خواب حتماً باید به هم پیامک بدهیم و شب بخیر بگوییم» (ج. ۱۷ ساله).

دیگر کارکرد مهم تلفن همراه «بزار هماهنگی» است. همه مشارکت‌کنندگان در اظهاراتشان به تلفن همراه و امکانات آن به‌مثابه اولین و مهم‌ترین ابزار هماهنگی ملاقات‌های حضوری‌شان اشاره کردند:

وقتی توی خانه‌شان قرار می‌گذاریم، وقتی نزدیک خانه‌شان می‌شوم بهش زنگ می‌زنم که بینم اوضاع چه جوری است. آخر می‌گویم نکند مشکلی پیش آمده باشد و پدر یا مادر یا مهمانی سرزده آمده باشند به خانه. واسه همین اول بهش زنگ می‌زنم و بعد که مطمئن شدم می‌روم خانه‌شان. بعضی وقت‌ها هم با اس به هم‌دیگر خبر می‌دهیم (م. ۱۶ ساله).

برخی مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که به کمک نرم‌افزارهای ارتباطی مانند واتس‌آپ عکس، صدا و فیلم‌های خود را برای هم‌دیگر ارسال می‌کنند و از طریق اینترنت ساعت‌های متمادی با هم ارتباط برقرار می‌کنند. این موجب شده تا دو طرف در رابطه دوستی‌شان در مدت‌زمان کمی به هم وابسته شوند:

«عکس‌های زیادی از هم‌دیگر داریم، از طریق وایبر هم من عکس‌هام را برایش می‌فرستم هم او عکس‌هاش را برام می‌فرستد، حتی عکس‌های جدیدش را. وقتی که نمی‌توانم باهاش حرف بزنم به عکس‌هاش نگاه می‌کنم» (م. ر. ۱۷ ساله).

لذت عاطفی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که رابطه با جنس مخالف برای نوجوانان پسر از لذتی تصورناپذیر برخوردار است. لذت عاطفی از جمله این لذت‌هاست. افراد با برقراری رابطه با جنس مخالف به‌لحاظ عاطفی به آرامش می‌رسند، آرامشی که در برخی خانواده‌های امروزی به‌دلیل بی‌انسجامی وجود ندارد. منسجم نبودن خانواده‌ها موجب شده است که نوجوانان برای رفع مشکلات عاطفی خود به جنس مخالف پناه ببرند و آنها را محرم اسرار خود بیابند.

«وقتی باهاش هستم احساس لذت می‌کنم، آرامش دارم خیلی زیاد. تا زمانی که ازدواج کنم این رابطه را ادامه می‌دهم» (ح. ص. ۱۸ ساله).

«به اهداف خودم رسیدم، به‌لحاظ عاطفی ارضا شدم، احساس لذت می‌کنم» (۱۷ ساله).

لذت جنسی

رابطه با جنس مخالف به لذت عاطفی محدود نمی‌شود، بلکه با لذت جنسی نیز همراه است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش، بنابر موقعیت خاص سنی، در اوج غلیان امیال جنسی به‌سر می‌برند. علاوه‌براین، عوامل مهم دیگری چون تسلط مسلم ویژگی‌های زندگی مُدرن بر خانواده‌ها، حضور تمام‌وقت والدین در محل کار، دسترسی آسان به برنامه‌های عاشقانه- هرزه‌نگارانه ماهواره، بحث‌های رایج در گروه دوستان درباب روابط جنسی و دسترسی به تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، همه و همه، فرصت باهم‌بودن را نسبت به گذشته بیشتر فراهم آورده است. همین موجب می‌شود که افراد رابطه جنسی و لذت جنسی را نیز تجربه کنند: «وقتی که رابطه جنسی انجام می‌دهم بسیار خوشحالم، بهم لذت می‌دهد، اعصابم آرام است، تأثیرات مثبت دارد، ولی وقتی رابطه جنسی با کسی ندارم، اعصابم خرد است و با خانواده‌ام دعوا می‌کنم» (ص. ۱۶ ساله).

وابستگی

از دیگر مقوله‌های مهم این پژوهش مقوله «وابستگی» است. برقراری رابطه با جنس مخالف برای اولین بار لذت فراوانی برای فرد به ارمغان می‌آورد؛ زیرا او تابه‌حال چنین حس زیبایی را تجربه نکرده است؛ بنابراین سعی می‌کند این رابطه را حفظ کند. به تدریج، نوجوانان پسر به دلیل تجربه رابطه عاطفی و جنسی و کسب لذت حاصل از آن به این رابطه و لذت ناشی از آن خو می‌گیرند.

«منی توانم دوست دختر نداشته باشم، طاقت نمی‌آورم، خیلی سخت است برام، حس بدی دارم، افسرده می‌شوم وقتی با کسی نباشم» (ص. ۱۷. ا. ۱۷ ساله).

«وقتی با کسی نباشم اعصابم خرد می‌شود خیلی، خیلی سخت است که با کسی نباشم. حتی وقتی قهر کند حتماً باید با کسی دیگر رابطه برقرار کنم وگرنه نمی‌شود، نمی‌توانم طاقت بیاورم» (ح. ص. ۱۸ ساله).

تنوع طلبی

عواملی چون بی‌وفایی، نداشتن صداقت، دسترسی بسیار راحت به تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، و مقایسه فرد با دیگرانی که از ویژگی‌های بهتری برخوردارند، سبب می‌شود تا این افراد (دختر یا پسر) در مدت‌زمان نه چندان طولانی از یکدیگر خسته و سرانجام جدا شوند. ازسوی دیگر، به دلیل «وابستگی» به رابطه با جنس مخالف، مجدداً با فرد جدیدی رابطه برقرار می‌کنند و این ماجرا تکرار می‌شود، به‌گونه‌ای که در مدت‌زمان اندکی افراد تجربه‌های متفاوتی از جنس مخالف به دست می‌آورند.

«تا الان با بیش از پنج نفر رابطه داشتم، الان هم با دو نفر هستم، هم‌زمان» (ص. ۱۷. ا. ۱۷ ساله).

گرایش به ارتباط با جنس مخالف

«ازشان سیر می‌شدم، آخر دوست دختر زیاد داشتم، آنها هم از ما سیر می‌شدند، دو نفر دیگه را می‌دیدند ازشان خوششان می‌آمد و من را تنها می‌گذاشتند، من هم همین‌طور، ازشان خسته می‌شدم و یک زید جدید می‌گرفتم» (م. ۱۶ ساله).

غیبت والدین در منزل

امروزه یکی از اصلی‌ترین دلایل غیبت طولانی والدین در خانه و تنهایی فرزندان را می‌توان کسب درآمد دانست. اوضاع و احوال اقتصادی و فرهنگی جامعه موجب شده که والدین به‌طور هم‌زمان برای کسب درآمد (یا پس‌انداز) به فعالیت بپردازند و هنگام بازگشت به منزل آنقدر خسته و کم‌حوصله‌اند که دیگر توانی برای رسیدگی به فرزندان ندارند که در حساس‌ترین برهه سنی خود به‌سر می‌برند و بیشتر از هر زمانی به هم‌دلی و توجه والدین خود نیاز دارند. «هنگامی که باهاش قرار داشتم و به خانه‌شان می‌رفتم پدر دوست دخترم سرکار بود و مادرش هم در مغازه بود. به‌همین خاطر به‌راحتی به خانه‌شان می‌رفتم و برای چند ساعتی با هم بودیم» (م. ۱۷ ساله).

بازاندیشی

بازاندیشی یکی از مفاهیم کلیدی این پژوهش است که از آنتونی گیدنز اقتباس شده است. او بازاندیشی را معرف هرگونه کنش انسانی می‌داند. از نظر گیدنز، در دوره جدید ماهیت بازاندیشی تغییر می‌کند. در این دوره، اندیشه و کنش در یکدیگر منعکس می‌شوند، و تأیید و توصیه به عملکردها دیگر با ضمانت سنت کارایی نخواهد داشت (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۴). تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که بیشتر مشارکت‌کنندگان درباب رابطه با جنس مخالف در تجربه‌های قبلی خود بازاندیشی کرده‌اند و معتقدند که ادامه رابطه با جنس مخالف به منوال گذشته موجب تکرار پیامدهای ناگوار آن است. بنابراین، در تجربه‌های بعدی خود از دو استراتژی بهره برده‌اند: اولین استراتژی، استراتژی رابطه جنسی صرف است. آنها معتقدند که از یک‌سو، درصدد رابطه با جنس مخالف‌اند، و از سوی دیگر، می‌خواهند که از وابستگی عاطفی، افسردگی و گوشه‌گیری بعد از جدایی نیز رها شوند. از این‌رو، در رابطه‌های بعدی خود با جنس مخالف، فقط رضای میل جنسی (بدون روابط عاطفی) را مورد نظر قرار داده‌اند.

تجربه بهم ثابت کرده که با دخترها دیگر رابطه صمیمانه برقرار نکنم، آخر می‌ترسم ازشان دوباره شکست بخورم. می‌خواهم با آنها رابطه عاطفی نداشته باشم، فقط رابطه جنسی داشته باشم. می‌خوام باهاشان دوست شوم نه برای رابطه عاشقانه، فقط رابطه جنسی (آ. ۱۷ ساله).

دومین استراتژی استراتژی جایگزین است. با توجه به این استراتژی، نوجوانان برای آنکه بعد از جدایی از جنس مخالف، به مشکلات ناشی از میل جنسی و وابستگی به جنس مخالف

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵

دچار نشوند همواره با بیشتر از یک نفر از جنس مخالف رابطه برقرار می‌کنند که در صورت جدایی یک نفر جایگزینی وجود داشته باشد که نیاز جنسی آنها را برطرف کند. «من همیشه با چند نفر هستم، به‌خاطر اینکه که اگر با کسی بهم زدم، کسی دیگر جاش باشد و یهو تنها نشوم» (ا. س. ۱۷ ساله). «اینکه هم‌زمان با چند نفر رابطه دارم برای این است که اگر بخواهم رابطه جنسی داشته باشم، اگر یکی‌شان نبود، یکی دیگر باشد که نیازم را باهاش برطرف کنم» (م. ۱۶ ساله).

مقوله هسته: رابطه با جنس مخالف

در این پژوهش، مقوله هسته عبارت است از: «رابطه با جنس مخالف». این مقوله به انتزاعی‌ترین نحو ممکن به پرسش‌های زمینه‌ای، تعاملی و پیامدی پاسخ می‌دهد و می‌توان مسیر رویداد آن را از دل داده‌های زمینه‌ای از طریق رجوع به مقولات محوری پی‌گرفت. این مقوله براساس زیرمقوله‌های درگیری فضای ذهنی، وابستگی، تنوع طلبی، لذت عاطفی، جنسی، عاملیت جنس مخالف، گروه دوستان، مشکلات تحصیلی و رسانه‌های گروهی شکل گرفته است.



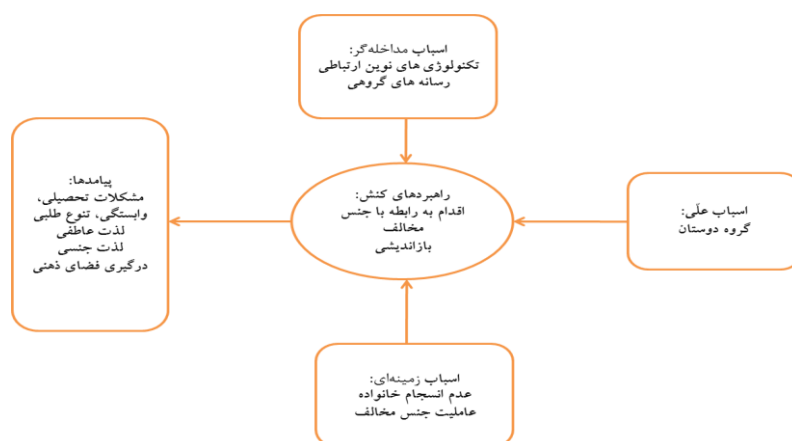
نمودار ۱. مدل پارادایمی پژوهش

مدل پارادایمی پژوهش

در این پژوهش سعی شده است که با تکیه بر تجربه و درک نوجوانان، پیامدهای رابطه با جنس مخالف در شهر مشهد در نظر گرفته شود. درکنار این موضوع، تلاش شده که تعامل و کنش نوجوانان، آن‌طور که خود آنها تجربه کرده‌اند، ارائه شود. بازسازی این مراحل مبتنی بر آن چیزی است که خود آنها تجربه کرده و آن را به‌طور شفاهی بیان کرده‌اند. براساس مدل پارادایمی، می‌توان گفت رابطه نوجوانان پسر با جنس مخالف تحت تأثیر اسباب خاصی بوده است، که در سه دسته علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر طبقه‌بندی شده‌اند:

گرایش به ارتباط با جنس مخالف

- اسباب علی: گروه دوستان به‌مثابه گروه مرجع؛
 - اسباب مداخله‌گر: رسانه‌های گروهی و تکنولوژی‌های جدید ارتباطی؛
 - اسباب زمینه‌ای: عاملیت جنس مخالف، غیبت والدین از خانه و منسجم نبودن خانواده.
- این اسباب درکنار یکدیگر موجب شده‌اند که پدیده‌ای به نام رابطه با جنس مخالف درکانون توجه نوجوانان پسر شهر مشهد قرار گیرد. با پذیرش این پدیده، نوجوانان تعاملات خاصی را انجام می‌دهند و استراتژی‌های خاصی اتخاذ می‌کنند. این استراتژی‌ها را می‌توان در قالب بازاندیشی (استراتژی جایگزین و استراتژی رابطه جنسی صرف) بیان کرد. بنابراین، روی آوردن نوجوانان شهر مشهد به رابطه با جنس مخالف منفعلانه نیست و ماهیت بازاندیشانه دارد. رابطه با جنس مخالف از دیدگاه نوجوانان پیامدها و نتایجی برای زندگی آنها دارد که عبارت‌اند از: مشکلات تحصیلی، درگیری فضای ذهنی، وابستگی، تنوع‌طلبی، لذت عاطفی، لذت جنسی.



نمودار ۲. مدل پارادایمی تجربه نوجوانان از اسباب، تعاملات و پیامدهای ارتباط با جنس مخالف

نظریه زمینه‌ای پژوهش

در این بخش به دنبال آن هستیم که با شرح کامل مدل پارادایمی، خط داستان و نظریه زمینه برآمده از داده‌های پژوهش را مشخص کنیم. این نظریه، که با محوریت مقوله هسته (رابطه با جنس مخالف) و براساس مدل پارادایمی پدید آمده، سعی در ارائه وضعیتی کلی دارد تا همه مشارکت‌کنندگان را دربرگیرد. دوره نوجوانی یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی انسان به‌شمار می‌آید که به‌لحاظ جامعه‌شناختی به‌دلیل گرایش نوجوانان به گروه دوستان از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به تغییرات اجتماعی و تحولات فرهنگی، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به‌ویژه در گروه دوستان دست‌خوش تغییر شده و ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی در جامعه شکل گرفته‌اند. ازجمله این ارزش‌های جدید، که در گروه دوستان پدید آمده است،

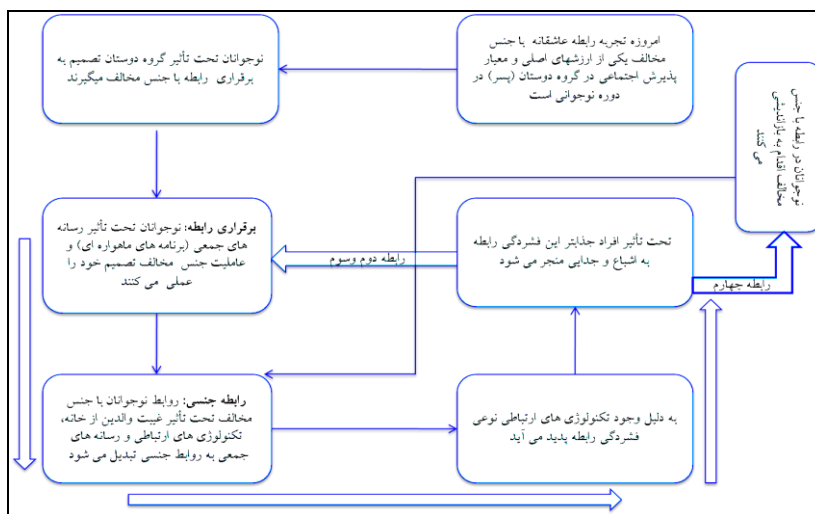
رابطه با جنس مخالف و تجربه رابطه عاشقانه است. به طوری که داشتن رابطه با جنس مخالف و تجربه آن به یکی از معیارهای پذیرش اجتماعی تبدیل شده است. نوجوانان به دلیل اینکه، در این دوره، گرایش به گروه دوستان در آنها شدت گرفته است، تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای این گروه برای پذیرش اجتماعی، کسب شهرت و منزلت (و تاحدودی کنجکاوی) با هدف کسب تجربه به برقراری رابطه با جنس مخالف اقدام می‌کنند. برنامه‌های ماهواره‌ای و سریال‌های عاشقانه ایرانی و عاملیت جنس مخالف همه با هم موجب می‌شوند که نوجوانان در عملی کردن این اقدام راسخ و مصمم شوند و در نهایت تصمیم خود را عملی و با جنس مخالف خود رابطه برقرار کنند.

روابطی از این دست برای نوجوانان پیامدهای چندبُعدی به دنبال دارد، به طوری که وضعیت زندگی امروزی و شاغل بودن والدین و غیبت آنها از خانه از یک سو، و وجود تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و آموزش رسانه‌های غربی و داخلی در زمینه روابط عاشقانه از سوی دیگر، موجب شده‌اند که رابطه با جنس مخالف با تجربه تماس جسمی و رابطه جنسی همراه باشد. به عبارت دیگر، نوجوانان رابطه با جنس مخالف را با تماس جسمی و رابطه جنسی تجربه کنند. لذت‌بخش بودن این رابطه وابستگی عاطفی و جنسی به همراه خواهد داشت. این وابستگی و درگیری ناخودآگاه ذهنی برای نوجوانان به حواس‌پرتی در درس‌ها، اهمیت‌ندادن به مسائل تحصیلی و در نهایت افت شدید تحصیلی منجر خواهد شد. از سوی دیگر، لذت جنسی ناشی از این رابطه موجب می‌شود که دانش‌آموزان این رابطه را حفظ کنند، اما رابطه شبانه‌روزی ناشی از تکنولوژی‌های جدید ارتباطی موجب می‌شود که این افراد در مدت کوتاهی از هم‌دیگر خسته (سیرشدن) شوند و رابطه‌شان را به مرحله اشباع برسانند و از هم‌دیگر جدا شوند، ولی به دلیل وابستگی به این رابطه و حفظ جایگاه خود در گروه دوستان، به برقراری رابطه با فردی دیگر از جنس مخالف اقدام می‌کنند و به دلیل وجود افراد جایگزین موفق به پیدا کردن دوست جدیدی می‌شوند و این ماجرا تکرار می‌شود.

در نهایت، چرخه رابطه با جنس مخالف موجب می‌شود که نوجوانان در مدت زمان اندکی تجربه‌های عاطفی و گاه جنسی متفاوتی کسب کنند. تجربه با جنس مخالف در مدت زمان کوتاهی موجب بازاندیشی در نوجوانان می‌شود تا در رابطه‌های بعدی خود با جنس مخالف مشکلات قبلی را رفع کنند و به این نتیجه برسند که ادامه رابطه با جنس مخالف به‌منوال گذشته موجب تکرار پیامدهای ناگوار آن می‌شود. بنابراین، در تجربه‌های بعدی خود از دو استراتژی برای رهایی از این مشکلات بهره می‌برند: اولین استراتژی، استراتژی رابطه جنسی صرف است که برای رهایی از وابستگی عاطفی، افسردگی و گوشه‌گیری، بعد از جدایی از افراد مختلف، اتخاذ می‌شود. با توجه به این استراتژی، نوجوانان در رابطه‌های بعدی خود با جنس

گرایش به ارتباط با جنس مخالف

مخالف فقط ارضای میل جنسی (بدون روابط عاطفی) را هدف خود قرار می‌دهند. دومین استراتژی، استراتژی جایگزین است. نوجوانان برای آنکه، بعد از جدایی از جنس مخالف، به مشکلات ناشی از میل جنسی و وابستگی به جنس مخالف دچار نشوند، همواره با بیشتر از یک نفر از جنس مخالف رابطه برقرار می‌کنند که در صورت جدایی یک نفر جایگزین وجود داشته باشد تا نیاز جنسی آنها را برطرف کند.



نمودار ۲. چرخه روابط با جنس مخالف

بحث و نتیجه گیری

امروزه، برخلاف ارزش‌ها و هنجارهای پیشین، به‌سهولت شاهد رابطه با جنس مخالف خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی هستیم و آنچه زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد، پایین آمدن سن در این‌گونه روابط است. طبق این پژوهش گروهی از نوجوانان پسر شهر مشهد اقدام به برقراری رابطه با جنس مخالف خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی کرده‌اند. با توجه به نتایج این پژوهش، این موضوع پدیده‌ای چندعاملی است نه تک‌عاملی. منسجم نبودن خانواده، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، رسانه‌های گروهی، عاملیت جنس مخالف، جابه‌جایی هنجارها و ارزش‌های مُدرن و سنتی و کسب پذیرش اجتماعی در گروه دوستان مهم‌ترین عوامل مؤثر در سوق‌دادن نوجوانان شهر مشهد به برقراری چنین روابطی است. وجود ارزش‌های مُدرن، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و رسانه‌های گروهی در پیدایش این پدیده مؤید نظریه جهانی‌شدن است که مبین آن است که تغییرات تکنولوژیکی در ایران موجب تغییر در هویت و نگرش نوجوانان شهر مشهد به جهان پیرامونشان شده است و روابط اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار داده است.

از آنجاکه شهر مشهد پایتخت معنوی ایران قلمداد می‌شود و دارای فضای فرهنگی- مذهبی است و مردم آن، به‌ویژه جوانان و نوجوانان، در مراسم مذهبی مشارکت فعال دارند، پیش‌بینی این است که، مذهبی‌بودن نقش شهر از ظهور پدیده‌هایی مانند برقراری رابطه با جنس مخالف جلوگیری کند، اما نتایج پژوهش حاضر مبین آن است که نوجوانان این شهر به دلایل مختلفی از جمله تغییر ارزش‌های گروه دوستان رابطه با جنس مخالف را با ارزش‌های دینی مغایر نمی‌دانند و در شکل‌گیری این پدیده نقش فعال دارند. به نظر می‌رسد این دو پدیده تا حدی متعارض در کنار یکدیگر رشد می‌کنند و هیچ‌کدام دیگری را نقض نمی‌کنند. این موضوع تأیید می‌کند که زندگی در دنیای امروزی زندگی در فضایی پُر تناقض است.

پیدایش چنین وضعیتی در جامعه ایرانی و به‌ویژه در شهر مذهبی مشهد آشکار می‌کند که نه‌تنها آرمان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای ایرانی- اسلامی تحقق پیدا نکرده است، بلکه این ارزش‌ها و هنجارها تغییر یافته‌اند. این نتیجه مؤید آن بخش از نظریه اینگلههارت است که معتقد است تغییرات ارزشی در جوامع متأثر از تحولات اقتصادی، تکنولوژی و سیاسی آن جوامع است. جامعه ایران نیز در چند دهه اخیر به دلیل تحولات اقتصادی و تکنولوژیکی دست‌خوش تغییرات ارزشی در گروه دوستان شده است و رابطه با جنس مخالف برای برخی از جوانان و نوجوانان به ارزش تبدیل شده است. گسترش این پدیده از دوران جوانی به نوجوانی نشان می‌دهد که بخشی از نوجوانان و جوانان ایرانی تا زمانی که به سن ازدواج برسند تجربه‌های یک فرد متأهل را در زمینه جنسی کسب خواهند کرد و دیگر شور و شوقی برای ازدواج باقی نخواهد ماند. بالا رفتن سن ازدواج، کاهش ازدواج متعارف و گسترش ازدواج‌های سفید از پیامدها و تبعات این پدیده خواهد بود. با توجه به آنکه رابطه با جنس مخالف خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی و دارای کارکردهای چندگانه منفی است لازم است مطالعات بیشتری روی این پدیده صورت گیرد تا با تدبیرهای واقع بینانه و کارشناسانه، از پیامدهای منفی این پدیده اجتماعی جلوگیری شود.

منابع

- آزادارمکی، تقی و محمدحسین شریفی ساعی (۱۳۹۰) «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال دوم، شماره ۲: ۴۳۵-۴۶۲.
- آزادارمکی، تقی و همکاران (۱۳۹۰) «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال دوم، شماره ۲: ۱-۳۴.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵) *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، ترجمه محمد حاضری و دیگران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

گرایش به ارتباط با جنس مخالف

اشتراوس، انسلم و جولیت کرین (۱۳۹۱) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمین‌های، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.

اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر. خلیج‌آبادی، فریده، شهلا کاظمی‌پور، و علی رحیمی (۱۳۹۲) «بررسی معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن و تمایل به ازدواج در دانشجویان شهر تهران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال نهم، شماره ۳۳: ۷-۲۸.

خلیج‌آبادی، فریده و امیرهوشنگ مهریار (۱۳۸۹) «بررسی نقش خانواده در ارتباط با جنس مخالف در دختران دانشجو در تهران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ششم، شماره ۲۴: ۴۴۹-۴۶۸.

خواججه‌نوری، بیژن و مریم السادات دل‌آور (۱۳۹۱) «عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تأکید بر فرایند جهانی شدن»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره ۲: ۴۱-۶۴.

ریترز، جورج (۱۳۹۰) مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه خلیل میرزایی و علی بقایی، تهران: جامعه‌شناسان.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) «دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری»، www.amar.org.ir

کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۸۷) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.

موحد، مجید، محمد عباسی شوزه‌ای و زهرا هاشمی‌نیا (۱۳۸۸) «ناهمگونی جنسیتی، نگرش افراد و ارتباط دختران و پسران در دانشگاه»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، سال چهارم، شماره ۲: ۱-۳۱.

Eaves, Yvonne (2001) "A Synthesis Technique for Grounded Theory Data Analysis", *Methodological Issues in Nursing Research*, 35 (5): 654- 633.

Ghani, Syedah, Abdolla, Salhah, Sharifah, Marayam, Nordin, Syedakil (2014) "Muslim Adulscents Moral Value and Coping Strategy among Muslim Femal Adolescent in Premarital Sex, *Procedia*", *Social and Behaviaorial Sciences*, 114: 427- 433.

Glaser, Barney.G and Strauss, Anselm.L (1967) *the Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitive Research*, Chicago: Aldine.

Neuman, W.Lawrence (2006) *Basic of Social Research; Qualitive and Quantitative Approach*, Second Edition, London: Allyan & Bacon.

- Rintala, Maria Tuula and Paarilainen. Eija and Asted T-Kurki, Pairs (2014) "Challenges in Combining Different Data Sets during Analysis when Using Grounded Theory", *Nurse Researcher*, 21 (5): 14-18.
- Shakerian, Ata, Nazari, Ali-Mohammad, Massomi, Mohsen, Ebrahimi, Painaz (2014) "Investigating Personality and Pre-Marital Affairs with Opposite Sex among University Students of Sannadaj City", *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 114: 327-333.
- Wie, Gue, Zhang, Wn, Yue, Qiu, Gong, Chen, Xiaoy Zhang (2012) "The Timing of Sexual among Chinese Youth", *International Perspective on Sexual and Reproductive Health*, 38 (8): 196- 204.